

پیام مریم کلارن

نام من مریم کلارن، مادر 67 ساله ام ناهید تقوی، یک زندانی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است. ناهید یک فعال چپ اندیش حقوق زنان است. و به خاطر همین در زندان است وی در مهرماه ۱۳۹۹ توسط شعبه اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تهران بازداشت شد. سپاه پاسداران چیزی شبیه یک دولت در دولت و در واقع یک دولت نهان در ایران است. آنها اکثر نهادهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی را کنترل می کنند. آنها او را به بند 2-الف بدنام بردند بندی جدا از زندان اوین و مکانی تاریک که به اعدام های دسته جمعی و شکنجه معروف است .

او در آنجا 194 روز را در سلول انفرادی گذراند و 80 بار و در مجموع به مدت 1000 ساعت مورد بازجویی قرار گرفت، همه این مدت بدون وکیل قانونی بود.

دوربین ها او را 24 ساعت هفته، حتی زمانی که از حمام استفاده می کرد، زیر نظر داشتند. هر بار که سلول کوچکش را ترک می کرد باید چشمبند می بست و تمام مدتی که در انفرادی بود مجبور می شد روی زمین سخت و بدون بالش بخوابد.

شش ماه پس از بازداشتش، در آپریل 2021 او را به دادگاه آوردند، در آنجا برای اولین بار با وکیلش ملاقات کرد، به وکیلش فقط چهار روز قبل از دادگاه، اجازه داده شده بود به اسناد دادگاه نگاهی بیندازد.

او در آگوست 2021 به جرم «مدیریت یک گروه غیرقانونی برای اخلال در امنیت ملی» به دلیل «تبلیغ علیه نظام» محاکمه شد. ناهید و مهران رئوف فعال کارگری، بهاره سلیمانی فعال زنان و سمیه کارگر فعال زنان، همگی به عنوان یک گروه به سالهای طولانی زندان محکوم شدند.

جمهوری اسلامی آزادی عقیده، آزادی اندیشه و آزادی بیان را جرم انگاری می کند. به همین دلیل آنها را به اتهامات واهی محاکمه کردند. برای همین است که میگوئیم محاکمه آنها ساختگی بود و پشت درهای بسته بدون فرصت واقعی برای ارائه دفاع از خود، برگزار شد.

فرآیند «قضایی ایران چیزی کمتر از تفتیش عقاید قرون وسطایی درباره عدالت نیست» نقض سیستماتیک حقوق بشر امری عادی است. «تبلیغ علیه نظام» - این یکی از شایعترین اتهامات در زندان ها با انگیزه سیاسی در جمهوری اسلامی است، ترجمان این به آن معناست که: «فکر کردن حرام است و حرف زدن درباره افکار» جرم است. پس مادرم هم از این قاعده مستثنی نیست.

اما پرونده او دلیلی شد که من به یک فعال سیاسی برای آزادی زندانیان سیاسی ایران تبدیل شدم. زیرا مقاومت و سخن گفتن در برابر بی عدالتی تنها راه ایستادگی در برابر این ظلم است. این تجربه به من آموخته است که هر چه افراد بیشتری به این مسئله اهمیت دهند، روزی فرا می رسد که همه افراد با شرافت، به آنها اهمیت خواهند داد. مردمی که طومارهای درخواست را امضا می کنند، افرادی که شکایت می کنند و افرادی که اعتراض می کنند.

زندان های جمهوری اسلامی ایران مملو از افرادی مانند مادرم است کسانی مانند وکلا، شاعران، سینماگران، محیطبانان و فعالان حقوق بشر که جرأت کرده اند حقیقت را بیان کنند، در مقابل بی عدالتی ایستاده اند یا صرفاً عقیده ای داشته اند که این مسئولین را به چالش می کشد.

این افراد سزاوار جوایز هستند نه میله های زندان. مبارزه و همبستگی ما برای زندانیان بسیار مهم است و علنی شدن پرونده های آنها، از زندانیان محافظت می کند و وقتی می گوئیم زندگی زندانیان سیاسی ایران بر روی لبه تیغ است، نمادین نیست بلکه واقعیت است. من می خواهم برای شما دومتال بزنم.

یکتااش آبتین نویسنده برجسته و مدافع آزادی بیان و همچنین عضو هیئت مدیره کانون نویسندگان ایران است که از سپتامبر 2020 در زندان به سر می برد. وی به اتهام «تبلیغات علیه نظام» به یکسال، و برای "تجمع و تبنانی علیه امنیت ملی" به پنج سال (شش سال در مجموع) محکوم شد، آنهم فقط برای اقدامات مسالمت آمیز از جمله انتشار اسناد و بیانیه هایی علیه سانسور کانون نویسندگان ایران. او چند هفته پیش کوئید را برای بار دوم در زندان تجربه کرد و دیروز خبر مرگ

اورا شنیدیم ، چرا که مقامات به او اجازه درمان به موقع و مناسب را ندادند، به این دلیل که جمهوری اسلامی ایران از قلم او می ترسد.

علی یونسی و امیرحسین مرادی دو دانش آموز ممتاز هستند که هر دو برنده مدال طلای المپیاد بین المللی نجوم هستند که نزدیک به دو سال است که در بازداشتگاهی به سر می برند و همیشه در یک بند بدنام با امنیت بالا نگهداری می شوند. یکی از هم سلولی های سابق آنها گزارش داد که هر دو دانش آموز مورد شکنجه جسمی و روحی قرار گرفته اند. اتهام این دانشجویان "افساد فی الارض" است که به معنای "دشمن خدا" است. محاکمه آنها در بهمن ماه خواهد بود و با این اتهام آنها با مجازات اعدام روبرو هستند. تصور کنید دو دانشجوی جوان با امید و رویا، اکنون در این وضعیت ظالمانه به سر می برند.

آنچه می خواهم بگویم این است که زندانیان سیاسی شجاع و مقاوم هستند. آنها روی ما حساب می کنند، این به ما بستگی دارد که صدای آنها باشیم و برای آزادی آنها مبارزه کنیم. تغییر تنها زمانی اتفاق می افتد که افراد کافی در برابر بی عدالتی اجتماعی بایستند. برای ناهید ها، برای بکتاش ها، برای علی و برای همه کسانی که به ناحق در جمهوری اسلامی ایران زندانی هستند. با تشکر از وقتی که به من دادید.